



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۲/۲۰



محمد غنی عمار
محمد غنی عمار استاد دانشگاه و پژوهشگر مسایل آسیای میانه

ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای میانه؛ افغانستان در کانتکست نوین منطقه ای

دلو ۳۰، ۱۳۹۸



اقتباس از سایت ۸ صبح

مقدمه

در پایان سفر مایک پمپئو وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا به آسیای میانه و برگزاری پنجمین نشست وزرای امور خارجه امریکا و آسیای میانه در قالب فارمت C+۱، وزارت امور خارجه امریکا ستراتیژی جدید آن کشور در قبال آسیای مرکزی را تحت عنوان: «ستراتیژی ایالات متحده امریکا برای آسیای میانه ۲۰۱۹-۲۰۲۵: تقویت حاکمیت و چشم انداز شکوفایی اقتصادی» به تاریخ ۵ فیوروری ۲۰۲۰ پژواک کرد. هم زمان با ساطع شدن ستراتیژی مذکور، نهاد تحقیقاتی «Heritage Foundation» امریکا، گفت و گوی تحلیلی را پیرامون تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای مرکزی با اشتراک خانم الیس ویلس معاون وزارت امور خارجه امریکا در امور کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی، خانم لیزا کورتس معاون دستیار رئیس جمهوری و رئیس بخش آسیای میانه و جنوبی در شورای امنیت ملی امریکا و خانم گلوریا ستیلی سرپرست معاونیت بخش آسیای USAID تدویر نمود که در برنامه مذکور، اشتراک کنندگان پل روی جزئیات بیشتر آن ستراتیژی پرداختند. من در این مقاله با نگاه چند بغدی و با تکیه بر متن ستراتیژی و سخنان اشتراک کنندگان نهاد تحقیقاتی مذکور، به واکاوی بیشتر ستراتیژی فوق الذکر و تبیین جایگاه افغانستان در آن ستراتیژی خواهم پرداخت. در کنار کنکاش و بررسی لایه های چند پهلو ستراتیژی یاد شده، همچنان تردستی خواهم نمود تا فرصت ها و چالش های ستراتیژی مذکور را برای افغانستان با توجه به نوعیت روابط افغانستان با کشورهای آسیای میانه بیرون دهم.

توضیح مختصر ستراتیژی نوین

ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای میانه متشکل از سه بخش عمده و اساسی است. بخش نخست ستراتیژی به عنوان مقدمه بر کلیات موضوع، هدف اولیه و اشنگتن در حوزه آسیای میانه، اقدامات عمده قبلی امریکا برای کشورهای آسیای مرکزی، مبانی تغییر در ستراتیژی قبلی امریکا و بر اهمیت جیوپولیتیک منطقه پرداخته است. در پیشگفتار ستراتیژی، آسیای مرکزی به عنوان «چهار راه ستراتیژیک و تجارتی میان تمدن های آسیا و اروپا عنوان گردیده است» و «ساختن یک آسیای میانه شکوفا و با ثبات که آزادانه و با روایت خودی بتواند منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خویش را در همکاری با شرکای متنوع دیگر دنبال نماید و در کنار دسترسی به مارکیت اقتصاد جهانی، صاحب نهادهای دموکراتیک، حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر گردد»، به

عنوان هدف اولیه امریکا خوانده شده است. بخش دوم ستراتیژی تحت عنوان «اهداف پالیسی» روایت‌گر شش هدف عمده و اصلی ذیل امریکا در قبال آسیای میانه است:

۱. حمایت و تقویت حاکمیت و استقلال دولت‌های آسیای میانه در سطح ملی و منطقه‌ای؛
۲. کاهش تهدیدات تروریستی در آسیای میانه؛
۳. توسعه و حفاظت از ثبات در افغانستان؛
۴. تشویق اتصال آسیای مرکزی و افغانستان؛
۵. تقویت حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر در آسیای میانه؛ و
۶. تقویت سرمایه‌گذاری ایالات متحده امریکا به هدف توسعه آسیای میانه؛

در بخش سوم ستراتیژی به دورنمای امریکا در قبال آسیای میانه پرداخته شده است. منطقه با ثبات و امن در تعامل عمیق با واشنگتن، حصول هدف اولیه ستراتیژی، وصل اروپا از طریق حوزه قفقاز به افغانستان و جنوب آسیا، ایجاد وزنه تعادل در مقابل نفوذ همسایه‌گان منطقه‌ای، تقویت فرصت‌های تجارتی امریکا برای ایجاد رفاه در منطقه به شمول مکانیزم چند جانبه منطقه‌ای «فارمت ۵+۱C» در راستای تطبیق ستراتیژی جدید، از شاخص‌های عمده بخش سوم این ستراتیژی به حساب می‌آیند.

ویژگی‌های اصلی ستراتیژی ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۵ امریکا

ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای میانه بدون شک نیازمند تحلیل، تجزیه، گفتمان و ذره بینی‌های عمیق علمی و دانشگاهی برای مخاطبین منطقه‌ای به شمول سیاست‌گران و کارگزاران سیاست خارجی افغانستان است؛ اما نکات عمده ذیل را می‌توان به عنوان ویژگی‌های عمده پالیسی امریکا برای آسیای میانه استخراج و تفسیر کرد:

۱. افغانستان محور بودن؛ از دید من، مهم‌ترین ویژگی ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای میانه، افغانستان محور بودن این پالیسی است. واشنگتن جایگاه ویژه برای نقش و موقعیت جیوپولیتیک افغانستان در ستراتیژی مذکور قایل شده است و تا جای دیده می‌شود که علی‌رغم چشم انداز متفاوت امریکا به منطقه آسیای میانه و افغانستان، به آسیای مرکزی از دریچه افغانستان نیز، نیم‌نگاهی انداخته شده است. به طور نمونه، در پالیسی مذکور، یازده بار از افغانستان در لایه‌های متفاوت ستراتیژی نام برده شده است. از جمع‌شش هدف اصلی ستراتیژی، سه هدف آن مشخصاً در حول مسایل افغانستان می‌چرخد. نقش افغانستان به عنوان «چهارراه» اتصال منطقه‌ای میان جنوب آسیای و اروپا از طریق آسیای مرکزی در پالیسی مذکور، برجسته‌ج‌لو می‌کند. موارد فوق نشان می‌دهند که افغانستان در ستراتیژی جدید امریکا در کانتکست نوین آسیای میانه تعریف شده است و این دقیقاً در قالب طرح «آسیای میانه بزرگ» امریکا بار معنی پیدا می‌کند. چنانکه خانم الیس ویلس معاون وزارت امور خارجه امریکا در امور کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی در مصاحبه‌ای با نشریه دیپلمات پس از نشر ستراتیژی مذکور گفته است: «ما یقیناً در عصر امکانات جدید قرار داریم. تغییر بزرگ این است که افغانستان به عنوان یک دولت آسیای میانه است و ما نیاز داریم که سیاست‌های مان منعکس‌کننده همین واقعیت باشد و همچنان منطقه را که متشکل از ملت‌های محصور به خشکه اند، در به دست آوردن اتصال منطقه‌ای کمک کرده بتوانیم».

۲. زمان‌محوری؛ پالیسی جدید امریکا در برابر آسیای میانه، زمان‌مند و مبتنی بر نوسانات منطقه‌ای است. چنان‌که از یک سو در عنوان ستراتیژی، بازه زمانی ۲۰۱۹ الی ۲۰۲۵ قید گردیده و از طرف دیگر واشنگتن در وهله سوم از روابطش در قالب «همپیمانان ستراتیژیک» با کشورهای آسیای میانه پس از گذار از مرحله نخست از ۱۹۹۱-۲۰۰۱ تحت عنوان «رسمیت‌شناسی» و مرحله دوم از ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۶م تحت نام «دوستان همکار»، قرار دارد. طوریکه ستراتیژی قبلی امریکا در قبال آسیای میانه در سال ۲۰۱۵م و در مقطع تدوین یافته بود که طوفان سیاست‌های دیکتاتورانه و منجمد اسلام کریموف بر عراق و قلب دیپلماسی کشورهای آسیای میانه بخصوص ازبکستان می‌وزید و امریکا محتاطانه به دنبال گسترش نفوذش در آسیای مرکزی بود؛ اما تغییرات پساکریموف در ازبکستان و سیاست‌های باز کشورهای آسیای مرکزی، شرایط و بسترهای تازه برای ستراتیژی

نوین امریکا خلق نموده است. به باور خانم الیز کورتس، تغییرات مهمی در منطقه آسیای مرکزی، اداره امریکا را تشویق به بازبینی در ستراتیژی قبلی و ایجاد دورنمای جدید نموده است.

۳. جیوپولیتیک محوری؛ در یک اولویت بندی موضوعی، امریکا در ستراتیژی جدیدش هنوز هم به کشورهای آسیای میانه بیشتر از عینک جیوپولیتیک می بیند که در زیر مجموعه مولفه جغرافیایی فوق، عناصر سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی بارور می شوند. بدین معنی که منطقه آسیای میانه دومین مهد و کانون سیاست های بزرگ جهانی پس از خاورمیانه با داشتن منابع، ظرفیت ها و پتانسل های عظیمی رقابتی برای بازی گری و پارگیری های آینده در سیاست بین الملل است و از سوی هم، این منطقه در حلقه داخلی نظریه جیوپولیتیک مکندر امریکایی قرار دارد. همچنان در ستراتیژی مذکور از آسیای میانه به عنوان «چهارراه» ستراتیژیک و تجارتی میان تمدن های آسیا و اروپا نام برده شده است. از سوی دیگر، مقدمه ستراتیژی تأکید دارد که هسته اصلی ستراتیژی جدید نسبت به پالیسی قبلی امریکا این است که آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه جیوستراتیژیک برای منافع امنیت ملی امریکا مهم است و در بخش آخر این ستراتیژی نیز تذکر رفته است که: «ما کار خواهیم نمود تا مطمئن شویم که کشورهای منطقه به اروپا از طریق حوزه قفقاز و افغانستان و جنوب آسیا وصل می شوند». موارد فوق دال عمده بر جیوپولیتیک محوری بودن ستراتیژی امریکا در آسیای میانه است.

۴. رقابت محوری؛ ستراتیژی جدید امریکا، رنگ و بوی رقابتی و تهاجمی در مقابل حضور و نفوذ قدرت های بزرگ منطقه ای (چین و روسیه) در آسیای میانه دارد. امریکا از گذشته تا امروز بر اساس نسخه های ریالیستی تهاجمی به دنبال تضعیف حضور همسایگان قدرتمند کشورهای آسیای مرکزی بوده است و در این ستراتیژی به وضوح دیده می شود که واشنگتن حتا با صراحت بیشتر از گذشته، به دنبال به چالش کشیدن قدرت های رقیب هژمونیک اش در منطقه است. اصطلاحات کاربردی همچون تقویت حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و استقلال اقتصادی کشورهای آسیای میانه و نفوذ همسایگان منطقه در آسیای مرکزی، پرداز دهنده اصل رقابتی بودن ستراتیژی مذکور است. واشنگتن از یک سو به دنبال ایجاد دیوار و شکاف میان روسیه و کشورهای آسیای میانه است و از طرف دیگر در تلاش مقابله با حضور پررنگ چین در مارکیت ها و اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی می باشد؛ اما این مقابله راه دراز و صبر ستراتیژیک می طلبد. چنانکه خانم لیزا کورتس در برنامه Heritage Foundation پیرامون ستراتیژی مذکور اظهار می دارد: «تغییرات زیادی در منطقه همچون تغییر در رهبری، تهدیدات جدید ایدئولوژیک افراطی، داعش، عمیق شدن نفوذ چین در منطقه و فرصت های آسیای میانه برای حمایت از کوششهای امریکا در روند صلح افغانستان، باعث بازنگری در ستراتیژی امریکا در قبال آسیای میانه شده است؛ اما بسیاری از مسایل بشمول نفوذ روز افزون روسیه در تمامی عرصه ها، هنوز هم بشکل سابق آن در آسیای مرکزی باقی مانده اند.»

۵. نرم محوری:

یکی از ویژگی های دیگر پالیسی جدید امریکا، استفاده از ابزار نرم قدرت (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) در تعاملات بعدی امریکا در آسیای میانه است. هرچند سیاست های امریکا در قبال آسیای میانه از آغاز دوره ریاست جمهوری بارک اوباما سافت محور بوده است؛ اما این بار نیز با وجود حضور جمهوری خواهان تهاجمی در قصر سفید، ابزارهای تاکتیکی و اجرایی ستراتیژی، عجین شده با ابزارهای نرم اند. بخش بزرگ پالیسی مذکور بشمول شش هدف آن، تأکید بر تقویت همکاریهای اقتصادی، تجارتی، ترانسپورتی، تکنولوژیکی، حاکمیت قانون، حقوق بشر، استندرد های بین المللی غربی و اقتصاد بازار دارد. طبق اطلاعات پالیسی مذکور، امریکا تا هنوز حدود ۹ میلیارد دلار با کشورهای آسیای مرکزی در بخش های صلح، امنیت، اصلاحات دموکراتیک، رشد اقتصادی و نیازمندیهای بشری کمک نموده است. همچنان تا اکنون حدود ۵۰ میلیارد دلار از سوی بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و برخی نهادهای پولی بین المللی دیگر به شکل قرضه و کمک های تخنیک برای توسعه منطقه اعطا شده است. همین اکنون بخش سکتور خصوصی امریکا حدود ۳۱ میلیارد دلار در بخش های مختلف در کشورهای آسیای

میان‌ه سرمایه‌گذاری نموده است. با وجود آن‌که در بخشی از ستراتیژی روی همکاری‌های امنیتی و تمرینات مشترک نظامی نیز تأکید شده است؛ اما محتویات عمده ستراتیژی در غلاف ابزارهای نرم سیاست پیچانیده شده است.

فرصت‌ها و چالش‌های ستراتیژی برای افغانستان

سبک و سنگین‌سازی ستراتیژی جدید امریکا در راستای منافع ملی افغانستان نشان می‌دهد که فرصتهای ستراتیژی متذکره به مراتب بیشتر از چالش‌های آن برای افغانستان است. پالیسی مذکور بر اساس تحلیل سیستمی، فرصت‌ها و چالش‌های عمده ذیل را برای افغانستان می‌تواند در پی داشته باشد:

○ نخست - فرصت‌های جیوپولیتیکی؛ پالیسی جدید امریکا به صراحت مهر تأیید بر اهمیت جایگاه جیوپولیتیک منطقه ای افغانستان در امر اتصال کشورهای منطقه و مسیر ترانزیت و تجارت منطقه ای می‌گذارد.

○ دوم- فرصت‌های اقتصادی؛ ستراتیژی ایالات متحده امریکا بر تعاملات عمیق اقتصادی، تجارتی، ترانزیتی و امنیت انرژی میان کشورهای آسیای میانه و افغانستان تأکید دارد. در هدف سوم پالیسی مذکور نگاشته شد که امریکا به تشویق کشورهای آسیای میانه برای توسعه ارتباطات تجارتی و اقتصادی با افغانستان می‌پردازد. در هدف چهارم ستراتیژی همچنان بر ایجاد روابط نزدیک میان آسیای میانه و افغانستان در عرصه‌های انرژی، اقتصاد، فرهنگ، تجارت و امنیت تأکید شده و در ادامه آمده که امریکا از تقویت روابط زیربنایی و تجارتی میان دو طرف حمایت می‌کند. همچنان در ستراتیژی مذکور از دو پروژه مهم اقتصادی منطقه ای افغانستان (کاسا - ۱۰۰۰ و راه لاجورد) نامبرده شده و نگاشته شده که امریکا به دنبال ساده‌سازی پروسه‌های ویزه و گمرکی در آسیای میانه برای تقویت کروی‌دور راه لاجورد است که سبب توسعه تجارت افغانستان و آسیای میانه با اروپا و اورآسیا می‌گردد.

○ سوم- فرصت‌های امنیتی؛ در ستراتیژی متذکره بارها بر ایجاد آسیای میانه امن و با ثبات، مبارزه با تروریسم و افراطگرایی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، تأمین امنیت مرزی و ایجاد صلح و ثبات در افغانستان تأکید شده است. در پالیسی مذکور آمده است که افغانستان امن و با ثبات اولویت عمده کشورهای آسیای میانه است و یک پیوند ناگسستنی میان صلح و ثبات و توسعه و شکوفایی آسیای میانه دیده می‌شود. ستراتیژی مذکور علاوه بر کمک در امر صلح و ثبات در افغانستان، فرصت خوبی در جهت استفاده از برنامه‌های آموزشی امنیتی و تقویت امنیت سرحدات افغانستان با کشورهای آسیای میانه خواهد بود.

○ چهارم - فرصت‌های سیاسی؛ افغانستان می‌تواند از ستراتیژی مذکور استفاده بهینه ای در حوزه تعاملات و سیاست‌های منطقه ای اش نماید. چنانکه پالیسی مذکور از یک طرف باعث کاهش نگرانی دولت افغانستان از جانب امریکا در پیوند به تعامل و سطح روابط سیاسی اش با کشورهای آسیای میانه خواهد شد و از طرف دیگر افغانستان می‌تواند در تعاملات و مکانیزم‌های سیاسی آسیای میانه نقش پُررنگتری داشته باشد. مثلاً تلاش برای عضویت در دیالوگ آسیای میانه و امریکا (۱C+۵) و موافقتنامه چارچوب تجارت و سرمایه‌گذاری (TIFA) میان امریکا و کشورهای آسیای میانه.

چالش‌ها؛ ستراتیژی جدید واشنگتن می‌تواند حاوی دو چالش مفهومی و عملی برای افغانستان باشد.

● نخست - برانگیختن حساسیت‌های منطقه ای؛ پالیسی جدید امریکا ذاتاً رقابتی است و حضور در میدان رقابت، بدون شک آسیب‌های را متوجه بازیگران سرکس سیاست خواهد ساخت. طوریکه هنوز هم برخی

از کشورهای منطقه، ظرفیت تحمل افغانستان با ثبات و حضور افغانستان فعال در سیاست های منطقه ای را ندارند و از سوی دیگر تعامل با کشورهای قدرتمند منطقه ای مخالف هژمونی امریکا، امر دشوار و حساسیت برانگیزی خواهد بود.

- دوم - تطبیق و مفاهیم ستراتیژی است. برای مجریان سیاست خارجی افغانستان خیلی مهم است تا با درک عمیق از مفاهیم، مکانیزم ها، اهداف و برنامه های امریکا در چارچوب پالیسی مذکور، در جهت منافع کشور قدم بردارند. پالیسی مذکور جدید و پیچیده است و هنوز هم نیازمند صبر، تحلیل و واکاوی بیشتر خواهد بود.

نتیجه گیری

<https://www.state.gov/united-states-strategy-for-central-asia-2019-2025-advancing-sovereignty-and-economic-prosperity/>

<https://www.heritage.org/asia/event/united-states-strategy-central-asia-advancing-sovereignty-and-economic-prosperity>

ستراتیژی جدید امریکا برای آسیای میانه؛

